فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول: مفهوم و مبانی بازپروری حقوق بشرمدار و محدودیت‌های آن ۱۳

مبحث اول) مفهوم بازپروری در پرتو حقوق بشرمدارانه **۱۵**

گفتار اول) اصول حقوقی، مبتنی بر حقوق بشر ۱۹

بند اول) شیوه‌های قانونگذاری مبتنی بر مبانی حقوق بشر ۲۰

بند دوم) بازپروری و حقوق زندانیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۲۲

بند سوم) اصول فقهی مرتبط با مبانی حقوق بشر ۲۵

گفتار دوم) بهسازی، درمان و بازپروری مجرم ۳۲

بند اول) انتقال به رویکرد اصلاحی ۳۳

بند دوم) حبس‌زدایی در اصلاح و درمان ۳۴

گفتار سوم) تعریف بازپروری ۳۵

بند اول) ضرورت اصلاح ۳۵

بند دوم) تعریف اصلاح و درمان و بازپروری ۳۷

بند سوم) اصول حاکم بر اصلاح و بازپروری مجرمان ۳۹

گفتار چهارم) افراد مشمول بازپروری ۴۶

مبحث دوم: مبانی بازپروری حقوق بشر مدار زندانیان **۴۹**

گفتار اول) کرامت انسانی ۴۹

گفتار دوم) عدالت ۵۲

گفتار سوم) برابری و عدم تبعیض ۵۹

فصل دوم: محدودیت‌های راجع به حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین‌المللی ۶۱

مبحث اول) مفهوم و مبانی حقوق معنوی زندانیان **۶۶**

گفتار اول) حقوق معنوی بازداشت شدگان ۷۰

بند اول) حقوق بازداشت شدگان در مرحله کشف جرم ۷۰
گفتار دوم) بر خورداری از کمترین تضمین های حق دفاع ۷۷
گفتار سوم) موضوع مجازاتها در باب حقوق معنوی زندانیان ۷۸
بند اول) حقوق معنوی زندانیان و حدود و صغور مجازاتها ۷۹
بند دوم) خصوصیات مجازات‌ها در ارتباط با حقوق معنوی انسان ۸۰
بند سوم) مبانی مجازت‌ها در باب حقوق معنوی بازپروران ۸۲
گفتار چهارم) دو گام اساسی در پاسداشت حقوق معنوی زندانیان ۸۵
بند اول) فردی نمودن جلوه ای از حقوق معنوی ۸۵
بند دوم) تجلی حقوق معنوی زندانیان در شخصی بودن مجازاتها ۸۹
مبحث دوم) جلوه‌های حقوق معنوی زندانیان ۹۳
گفتار اول) احترام به حیثیت و کرامت انسانی ۹۳
گفتار دوم) احترام به باورهای مذهبی ۹۵
گفتار سوم) آزادی داشتن عقیده ۹۸
گفتار چهارم) آزادی تبلیغ عقیده ۹۹
گفتار پنجم) آزادی اعمال عقیده ۱۰۲
گفتار ششم) آزادی بیان و اطلاعات ۱۰۴
گفتار هفتم) حقوق ارتباطی ۱۰۶
بند اول) حق ارتباط زندانی در دوره و مرحله تحت نظر ۱۰۷
بند دوم) حقوق ارتباطی متهم یا بزهکار حین بازداشت موقت ۱۱۲
بند سوم) ممنوع الارتباط شدن محبوسین ۱۱۵

فصل سوم: محدودیت‌های راجع به حقوق مادی زندانیان در اسناد داخلی و بین‌المللی ۱۱۷
مبحث اول) مفهوم و مبانی حقوق مادی زندانیان ۱۱۸
گفتار اول) نگاه تاریخی به قواعد حقوق بشری زندانیان ۱۲۰
گفتار دوم) مفهوم و مبانی حقوق مادی زندانیان ۱۲۲
بند اول) تهیه مایحتاج ضروری ۱۲۳
بند دوم) پوشاک ۱۲۳
بند سوم) تغذیه ۱۲۴
بند چهارم) زندانیان و حق حیات ۱۲۵
بند پنجم) آموزش و پرورش زندانیان ۱۲۶
بند ششم) ملاقات زندانیان ۱۲۶
بند هفتم) مکاتبه‌ی زندانیان ۱۲۷
بند هشتم) مرخصی ۱۲۸

مبحث دوم) جلوه‌های حقوق مادی زندانیان ۱۲۸
گفتار اول) مراقبت‌های بهداشتی زندان و حقوق بشر ۱۲۹
بند اول) حق حیات ۱۳۰
بند دوم) وظیفه نگهداری ۱۳۰
گفتار دوم) نظافت، بهداشت و درمان زندانیان ۱۳۱
بند اول) مسئولین بهداشت در زندانها ۱۳۳
بند دوم) خدمات بهداشتی ۱۳۳
بند سوم) بهبود شرایط خدماتی ۱۳۴
گفتار سوم) بیماری و وضعیت بهداشت در زندان ۱۴۱
بند اول) تدبیرهای کاهش دهنده انتشار بیماریهای عفونی مرگبار ۱۴۲
بند دوم) فعالیت‌های بشر دوستانه ۱۴۲
گفتار چهارم) حقوق مادی زنان بزهکار ۱۴۳
بند اول) بازپروری زنان و ورزش ۱۴۴
بند دوم) محیط بهداشتی زنان ۱۴۴
بند سوم) مراقبت و بهداشت جسمی زنان ۱۴۵
بند چهارم) مراقبت و بهداشت روانی زنان ۱۴۸
بند پنجم) زنان بزهکار و ایدز ۱۵۰
گفتار پنجم) جنبه‌های انسانی کیفرهای سالب آزادی ۱۵۲
گفتار ششم) اشتغال به کار زندانیان ۱۵۳
بند اول) سابقه تاریخی و حقوقی ۱۵۴
بند دوم) اهداف اشتغال به کار زندانیان ۱۵۸
بند سوم) مبانی حقوقی کار در زندان ۱۶۱
بند چهارم) مبانی حقوق بشری کار در زندان ۱۶۵
بند پنجم) زندانیان با شرایط ویژه ۱۶۵

مقدمه

دیدگاه اصلاح و درمان مجرمین در واقع یک بینش بیمارگونه به مجرم داشته و همواره قصد دارد به جای مجازات‌های شدید که هنوز هم اثرگذاری آن‌ها در پرده‌ی ابهام است، با راهکارهای جدید علمی و پزشکی با مجرم برخورد نماید به این نحو که به جای مجازات به مداوای مجرم بپردازد و با سازوکارهای علمی و پزشکی با مجرم برخورد نماید. ما همگی به این مقوله اعتقاد داریم که اصلاح مجرم هدف نهایی است. حال چه از طریق مداوا یا مجازات ولی به عنوان شهروند هم خشنودتر هستیم اگر این تحویل با یک روش و راهکار درمانی، اصلاحی توام باشد. تجربه نشان داده که مجازات پاسخگو نیست، پس درمان می‌تواند مفیدتر واقع شود.

هر مجرمی دارای دو پرونده‌ی شخصیتی و حقوقی است. در خصوص راهکار اصلاح و درمان پرونده‌ی شخصیتی وی بسیار دارای اهمیت است که متاسفانه بعضا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. همیشه در کنار یک قاضی عادل نیاز به یک پزشک روان کاو و سازوکارهای خاص او می‌باشد که بتواند پرونده‌ی شخصیتی را مورد بررسی قرار بدهد و به قاضی راهکار ارائه بدهد چون مجرم قربانی کمبودهاست ولی برای اجرای اصلاح و درمان نیز می‌بایست یک حداقل‌هایی را مد نظر قرار داد و یک استانداردهایی را مدنظر گرفت و باید به قوانین و مقررات متوسل شد.

قانون حداقل استانداردهای رفتار با زندانیان به بیان این حداقل‌ها پرداخته و با مقررات حمایت از کلیه‌ی اشخاص تحت هرگونه بازداشت در نهایت به بررسی این مهم خواهد پرداخت که اصول و پایه‌های قوانین حقوق بشر در اصلاح و درمان چه مقدار می‌تواند مؤثر باشد و آیا ضمانت اجراهایی نیز وجود دارد. با قدری تأمل در قوانین حقوق شهروندی، اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، حقوق شهروندی درمیثاق بین المللی مدنی و سیاسی، به این مهم می‌رسیم که

سلب آزادی می‌تواند یکی از بزرگترین مجازات‌ها باشد که نمـود عینـی آن زنـدان و بازداشـتگاه است، لذا برای این که آزادی بی جهت از متهمی سلب نگردد می‌بایست تمامی معیارهای حقوق بشری در آن لحاظ گردد و بسیار تأکید شده است که با زنـدانی و یـا بازداشـت شـده بـا رفتـار انسانی و احترام کامل برخورد شود حتی در نگهداری آن‌ها با هم فرق گذاشته شده و بایـد بـین سنین نیز فرق گذاشته شود.

این اندیشه‌ی اصلاح مجرم از پدیده‌های عصر حاضر نمی‌باشد بلکه اثار آن را در قرون وسـطی نیز می‌توان یافت. برای نمونه از سقراط در این خصوص نقل شده است: "ما به هیچ وجه نباید از مجرمین خشمناک شویم بلکه باید به آن‌ها بیاموزیم که چگونه مـی‌تواننـد دیگـر مرتکـب جـرم نشوند زیرا جرم نتیجه‌ی نادانی است و همه‌ی مردم سعادت فراگیری معلومـات را نداشـته‌انـد." افلاطون نیز در این خصوص می‌گوید: " قانون گذاران مجرمین را بیمـارانی مـی‌داننـد کـه بایـد معالجـه شـوند اگـر کسـی جرمـی را انجـام دهـد قـانون بـه او تـرک آن را یـاد خواهـد داد. " نئوکلاسیک‌ها نیز با الهام از چنین پیشینه‌ای و نیز اندیشه‌های اشخاصـی هـم چـون مبییـون و جان هوارد هدف اصلاح و تربیت را در مجازات مطرح کرده‌اند. جدا از زیاده‌روی یا کندروی‌هایی که در حقوق جزا زیر عنوان " اصلاح مجرم" روی داده و به بهانه‌ی آن حقـوقی از افـراد پایمـال گردیده است و متخلفان بسیاری از چنگال اجرای عـدالت در امـان توصـیف شـده‌انـد در چشـم اندازی کلی باید گفت هدف یاد شده از اهداف معقول و پسندیده به شمار می‌رود و چه نیکوست که با باریک اندیشی در زوایای گوناگون آن ساختاری فراگیر برایش پی افکنده شود.

در چند و چون این دیدگاه و ارز یابی آن نکاتی قابل ذکر است:

با روی آوردن به مفهوم اصلاح، یعنـی بهسـازی مجـرم و جلـوگیری از کـج روی و فروافتـادن دوباره‌ی وی در گرداب تبهکاری، مجازات در این رویکرد به سان کلاس درسی می‌نمایـد کـه در آن مجرم آموزش‌های بایسته را در راستای زندگی آشتی گونه و هماهنگ با جامعه فرا می‌گیـرد، همچنین دارویی است که نارسایی‌های جسـمی و روحـی او را درمـان نمایـد. بـه عبـارت دیگـر اصلاح، بهسازی تمایلات ویرانگرایانه در نهاد کسانی است که با رفتار خود موجبات از میان بردن و آزادی‌های انسان‌ها را فراهم آورده است.

در گذشته نچندان دور این اقدام بدون در نظر گرفتن توانایی‌های شخصی واستعدادهای روانی و جسمانی بزهکاران آن هم در قالب روشهای سخت و گاهی جانکاه انجام می‌گرفت، ولـی اینـک

با فردی‌کردن مجازات‌ها کوشش می‌شود با به کارگیری شیوه‌های تربیتی متناسب با ویژگی‌های هریک از بزهکاران بار دیگر پیون آنان با جامعه برقرار شود. این رویکرد در راستای فردی کـردن کیفر و بررسی مجرم با راهنمایی اصول اخلاقی پیشنهاد می‌کند که در کنار مقررات برون ذاتـی قانون ویژگی‌های درون ذاتی بزه کار نیز مورد توجه قرار گیـرد. از ایـن رو افـزون بـر پیشـینه‌ی کیفری مجرم باید وضعیت بیولوژیکی، روانـی و اجتمـاعی او بـه وسـیله‌ی آزمـایش‌هـای علمـی شناخته شود و سرانجام اوضاع و احوال خارجی رخداد جرم نیز مورد توجه قرار گیرد.

گفتنی است به منظور پاسداشت حقوق و آزادی‌های فردی آزمایش‌های علمی یاد شـده بایـد زمانی انجام گیرند که رفتار جرم انجام شده از سوی مجرم همان رفتار پیش بینی شده در قانون باشد. سفارش دفاع اجتماعی در جداسازی مراحل احراز مجرمیت و صدور حکم گاهی در همـین راستا است گفتنی است به منظور آگاه نشدن مجرم در آزمایش‌های روانی خـود و دور مانـدن از شوک‌های اجتماعی آن و نیز امکان شرکت بازپرس در هر دو مرحله‌ی دادرسی و صـدور رای در این رویکرد، مراحل تحقیقات مقدماتی و محاکمه به هم پیوسـته اسـت. خلاصـه آنکـه نگـرش و اصلاح و تربیت مجرم بر اندیشه‌ی دفاع اجتماعی از راه انطباق پذیری دوباره بازسازی اجتمـاعی او استوار می‌باشد. افزون بر فردی کردن مجازات تردید فزاینده در بکار بستن کیفر حبس و بهره گیری از جایگزینهایی می‌باشند که این دیدگاه برای دست یابی به هدف اصلاح و تربیـت بـدانها روی آورده است. درباره مجازات برخی عقیده دارند که این مرکز افزون بر بدآموزی ها، حتـی در ارزیابی وضعیت روانی مجرم جای مناسبی نیست. دکتر دادبان در این باره می‌گوید:

امروز بزرگترین متخصصین حقوق جزا به ویژه در ایالات متحده‌ی امریکا اعلام مـی‌کننـد کـه زندان جدید شکست خورده است، زیرا زندان راه حل مسئله مجرم و اصلاح وی نیست. حتی اگر از زندان، آن هم در کوتاه مدت به عنوان یک مرکز مشاهده و به منظور تعیین نیازهای زندانی و تشخیص درد و درمان او استفاده شود. از آنجا که زندان انسان را پژمرده می‌کند به نظر می‌رسد که انتخاب زندان به عنوان مرکز آزمایش مجرمین صـحیح نیسـت، زیـرا منظـور از مشـاهدات و آزمایشهای علمـی محکـومین شـناخت صـحیح و اصـلاح آنهاسـت و اگـر محکـوم را از محـیط خانوادگی خود دور و بازداشت نماییم، موجب بی نظمی‌های دمـاغی و پنهـان شـدن شخصـیت واقعی او خواهد شد. چرا که بـا تغییـر نـوع زنـدگی مجـرم از حالـت آزاد بـه وضـعیت توقیـف، ناهماهنگی اجتماعی او تشدید خواهد شد. گفتنی است که مخالفت با کیفر حبس و نفی و انکار

آن تنها به دیدگاه جنبش دفاع اجتماعی پیوسته نمی‌باشد بلکه پس از جایگزینی آن در مورد کیفرهای بدنی ابتدا پوزیتویست‌ها با نفی مسؤلیت اخلاقی مجرمان آن را شوم تلقی و رد کرده‌اند. در مورد جایگاه کیفر زندان به ویژه بررسی و ارزیابی آن در آمیزه‌های دینی مطالب بسیاری طرح شدنی می‌باشد که پرداخت به آن‌ها سخن را به درازا می‌کشاند، کوتاه سخن آن که این کیفر در اسلام به دو گونه حدی تعریزی وجود دارد که به کاربستن آن درباره‌ی دستور دهنده به قتل مرد و زن مرتد فطری نمونه‌هایی از گروه نخست می‌باشد. گفتنی است اعمال این دسته از مجازات‌ها زندان اجباری می‌باشد، ولی قاضی گونه دوم مجازات حبس را می‌تواند تخفیف بدهد و یا آن را به کیفر دیگری تبدیل نماید.

دلیل اجباری بودن زندان‌های حدی نیز پیوستگی آن با نظم عمومی و هنجارهای اخلاقی، اجتماعی می‌باشد، حتی اگر تربیت مجرم را به دنبال نداشته باشد. هرچند در همین موارد نیز رگه‌هایی از تربیت و آگاهانیدن افراد جامعه به ناشایستی رفتار مجرمانه وجود دارد.

فصل اول

مفهوم و مبانی بازپروری حقوق بشرمدار و محدودیت‌های آن

سخن از اصلاح مجرمین مربوط به فلسفه و کارکردهای مجازات است که درطول تاریخ به موازات اِعمال مجازات نگرش های متعددی درباره آن مطرح بوده است و امروزه اغلب تحت عنوان کیفرشناسی مطالعه می‌شود.

سقراط در مورد اعمال خشونت نسبت به بزهکاران هشدار می‌داده ولی می‌خواست که از طریق آموزش و کارآموزی به مجرمان تعلیم داده شود که چگونه دیگر مرتکب جرم نشوند همچنانکه نقل شده افلاطون معتقد بوده " اگر کسی مرتکب جرمی شد قانون باید به او بیاموزد که دیگر آن را تکرار نکند" و از نظر سِنِک [1] " اگر مجازات مقصران را تقلیل دهیم می‌توانیم آسانتر آنان را اصلاح کنیم زیرا وقتی فرد اعتبار و آبروی خود را کاملا از دست نداده است در رفتار و کردار خویش دقت و مراقبت بیشتری به خرج خواهد داد".

چنانکه رُسی [2] یکی از سران مکتب نئوکلاسیک "بنتام را به این لحاظ که تنها به ارعاب و سودمندی مجازات توجه کرده و بازپذیری و بازپروری مجرم و اخلاق رانادیده گرفته است سرزنش کرد".

از نظر اسلام نیز بعضی معتقدند "هدف اصلی در مجازات های تعزیری اصلاح، تادیب و آماده کردن بزهکار برای یک زندگی سالم و شرافتمندانه در جامعه است"، همچنانکه گفته شده " از دیدگاه حقوق جزای اسلامی اگر تغییر و تحول باطنی در مجرم پدید آید و به واقع مجرم اصلاح شود مجازات او لغو می شود". بنابراین در خصوص مجرمان دو بینش وجود دارد اول اینکه مجرم بیمار است و دوم اینکه مجرم ناقض قواعد اجتماعی است.

به تناسب هر دو بینش، نگرش‌ها در مورد اصلاح مجرمین متفاوت می‌باشد.

در قوانین ایران به این مطلب در موارد زیر اشاره شده است:

۱. طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی " اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین" یکی از وظایف قوه قضائیه است؛

۲. بر اساس بند ۱ ماده ۲ و بند ۵ ماده ۳ قانون اقدامات تامینی مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۲ و ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و تبصره ۱ ماده ۲۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری

---

[1] – Seneca .

[2] - Rossi .

مصوب ۱۳۷۸ مقنن نسبت به ایجاد کانون اصلاح و تربیت، و نگهداری اطفال و نوجوانان بزهکار در آن، به منظور اصلاح و تربیت آنان اهتمام ورزیده است؛

۳. در آیین نامه های متعددی به اصلاح و بازپروری بزهکاران اشاره شده است از جمله ماده ۱ آئین نامه انجمنهای حمایت زندانیان سال ۱۳۶۰ و آئین نامه جدید اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰/۴/۲۶ که به موجب ماده ۳ آن «زندان محلی است که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذیصلاح و قانونی...به منظور اصلاح و تربیت وتحمل کیفر نگهداری می‌شوند.

در ایران با تکیه بر قوانین و مقررات، نهادهای مختلفی اعم از قضایی و اجرایی برای اصلاح و بازپروری بزهکاران ایجاد شده است:

۱. زندان؛

۲. کانون‌های اصلاح و تربیت؛

۳. مراکز مراقبت بعد از خروج (مستندا به ماده ۱۶ آئین نامه سازمان زندان‌ها...مصوب ۸۴)؛

۴. بیمارستان‌های روانی برای بزهکاران دارای اختلال روانی؛

۵. مراکز معالجه بزهکارین برای درمان بزهکار؛

۶. سازمان بهزیستی؛

۷. ستاد مبارزه با مواد مخدر.

مبحث اول) مفهوم بازپروری در پرتو حقوق بشرمدارانه

بی‌تردید نظریه‌های مختلف روان درمانی هر کدام فرآیند روانی خاصی را در تبیین خصوصیات رفتاری فرد بزهکار مورد توجه قرار می‌دهند. از این رو انتظار می‌رود که مطابق با دیدگاه پذیرفته شده‌ی نظری فرآیندهای تغییر از طریق ساز و کارهای مناسب و شیوه‌های عملی و مداخلات درمانی با استفاده از راهکارهای تعیین شده و کاربردی و ساختاری ایجاد گردد. اثر بخشی همه اشکال روان درمانی بزهکاران قویا متضمن ارتباط و اعتماد[1] بزهکاران تحت درمان به درمانگر یا بازپرور و مولفه‌های درمانی است. زیرا واکنش‌های ذهنی و عاطفی بزهکار در پروسه درمانی و بهبودی نقش ویژه ای در جهت اتخاذ راهبردها و جهت یابی درمانی و ارتباط

[1] - Trust .

درمانی درمانگر با درمانجو در خصوص نفوذ به شخصیت کاذب بزهکار دارد. از این رو برای ایجاد بستری امن و کم تنش جهت آغاز مداخلات بهبودی هم چنین بوجود آوردن انگیزش و زمینه خود باوری در فرد بزهکار نوع خاصی از مقابله و رویارویی را در ساختار اجتماع درمانی باید طراحی و برنامه‌ریزی کرد که این نوع رویارویی را "مداخله از طریق همتایان" [۱] عنوان می‌کنیم که غالبا در باب بزهکاران مواد مخدر و معتادان به کار بسته می‌شود.

این سیستم درمانی برای تضعیف‌کردن انکار ورزی و سیستم دفاعی غیر بهداشتی و سالم بزهکار در نظر گرفته می‌شود. بنابراین حضور پرنقش اجتماعی درمانی مددکاران تجربی(شبکه همسان) تاثیرگذاری بی‌همتایی بعنوان تسهیل کننده و انتقال دهنده [۲] در فرآیند تغییر دارند. مخصوصا در برخورد با احساسات منفی بزهکارین بویژه احساس حقارت و مرجع قدرت ستیزی [۳] که پروسه درمانی و ارتباط درمانگر و درمانجو را شدیداً تحت‌الشعاع قرار داده و مختل می‌کند.

تجربه‌ی مدت بازپروری در مراکز خود یاری و اجتماعات درمان مدار بزهکاران عملا نشان داده است که نقش اجتماعی، درمانی از طریق کمک همتایان به افراد بزهکار در پروسه درمانی و بازیابی اثر گذاری مثبت و کارآمدی موثر و واکنش دو سویه دارد. تعداد زیادی از بیماران بهبود یافته از ارتکاب جرایم و یا غالبا اعتیاد که در مراکز درمان مدار و گروه‌های خود یاری بهبود یافته اند، یکی از بزرگترین علل موفقیت خود را در عدم بازگشت به تکرار جرایم، کمک و کار فشرده با دیگر همتایان [۴] خودمی‌دانند. به اعتقاد و تجربه‌ی دانشمندان در موقعیت‌های‌فشار روانی و اجتماعی که اقدامات موثری برای ایجاد تعادل و بهداشت‌روحی، روانی وجود نداشته باشد کمک‌به هم‌درد، رفتاری‌معنوی [۵] و شیوه‌ای روانی و قدرتمند در ایجاد اعتماد به نفس، عزت نفس و سلامت روانی می‌باشد.

زیرا از نزدیک شاهد رهایی از غم و رنج دیگران بودن به زندگی هدف و انگیزه تازه‌ای می‌دهد. یکی از دلایلی که درمان‌های معمول در مورد بزهکارین موفقیتی نداشته، این است که بزهکاران معمولا نمی‌توانند به اندازه کافی ساکت نشسته و فرآیند سلسله مراتب اجتماعی را تحمل کنند.

---

[1] – Intervention by peer education .

[2] - Vacillator transference .

[3] - Problem with authority figure .

[4] - Peer .

[5] - Spiral deed .